



ارزیابی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی بر اعتماد مرتعداران (مطالعه موردی: مرتع بلبان آباد در استان کردستان)

فرزاد احمدی^{۱*}، قدرت اله حیدری^۲ و روناک احمدی^۳

۱- دانش‌آموخته گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

Farzadahmadigh70@yahoo.com تلفن: ۰۹۱۸۲۲۲۱۷۳۳

۲- دانشیار گروه مرتعداری، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۳- دانشجوی دکترای علوم و مهندسی مرتع دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

تحولات اقتصادی- اجتماعی جامعه ذی‌نفعان و اهمیت اعتماد در تعاملات مدیریتی منابع طبیعی در چند سال اخیر، موضوع بررسی اعتماد افراد و سازمان‌ها را بسیار حائز اهمیت کرده‌است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش ارزیابی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی بر اعتماد مرتعداران مرتع بلبان آباد در استان کردستان است. جامعه آماری منطقه مورد نظر ۱۱۷ نفر مرتعدار بوده‌است که با استفاده از فرمول کوکران ۹۱ مرتعدار انتخاب گردید. ابزار تحقیق پرسشنامه بود و روش آماری اطلاعات با استفاده از تکنیک مصاحبه انجام گرفت. برای اندازه‌گیری اعتماد مرتعداران از ۴ گویه استفاده شده‌است که در داخل پرسشنامه آمده بودند. میزان آلفای کرونباخ برای اعتماد مرتعداران ۰/۸۲ بدست آمده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS میزان همبستگی اعتماد مرتعداران از طریق آزمون پیرسون با فاکتورهای مانند سابقه بهره‌برداری، میزان درآمد سالانه از دامداری و تعداد دام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بین اعتماد مرتعداران با سابقه بهره‌برداری رابطه مستقیم و معنی‌دار و با تعداد دام و میزان درآمد سالانه از دامداری رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از میزان کم اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی در جامعه مورد مطالعه است. بنابراین جهت بهبود اوضاع اقتصادی- اجتماعی در مرتعداران باید زمینه ایجاد اعتماد در آن‌ها را فراهم نمود چرا که تأمین نکردن خواسته‌های مردم یکی از عوامل بی‌اعتمادی است و با اعتقاد به تأثیرگذاری این اصل، زمینه را برای پایداری مراتع فراهم ساخت.

واژه‌های کلیدی: مسائل اقتصادی و اجتماعی، اعتماد مرتعداران، اعتماد نهادی، مرتع بلبان آباد، استان کردستان.



مراتع با ایفای نقش در تعادل زیست‌بوم‌ها، از عوامل پایه در فرآیند توسعه پایدار به‌شمار می‌روند (Amirnejad, 2010). ذخیره‌سازی و تولید آب، فرآورده‌های دارویی، صنعتی و غذایی، ارزش‌زایی در اقتصاد خرد و کلان کشور و اشتغال‌زایی با صرف کمترین هزینه از مهم‌ترین نقش‌های مرتع و مرتعداری می‌باشد (Alavi, 2011). در چند دهه اخیر، شیوه‌های نادرست و نامناسب بهره‌برداری از منابع طبیعی موجب بروز لطمات شدیدی به عرصه‌های منابع طبیعی شده‌است (Ansari, 2009). برنامه‌های متعددی برای اصلاح و مدیریت این عرصه‌ها طراحی شده که موفقیت در اجرای آن‌ها منوط به مشارکت فعال روستاییان و بهره‌برداران آن‌هاست (Papzan, 2010)، و یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی-اقتصادی یک جامعه به‌ویژه در عرصه‌های طبیعی (مراتع) نقش و حضور فعالانه بهره‌برداران در پروژه‌های اصلاحی و احیایی مراتع است. بدون همیاری و مشارکت مردم توسعه مفهومی نخواهد داشت، چرا که هر گامی که در راه رشد و توسعه برداشته می‌شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد و یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت جوامع محلی در اجرای طرح‌های اصلاحی و احیایی مراتع عدم توجه به نیازهای اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران و منبع تأمین آن می‌باشد (Faircheallaigh, 2010). عدم درک کافی از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی، مدیریت مراتع را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند (Dong, 2009). مشارکت موضوع قابل توجهی در مطالعات، سیاست‌ها و طرح‌ها است (Lubel, 2013 و Franks, 2007، Pellizzoni, 2000). این رویکرد نیازمند اعتماد ذینفعان به کارشناسان و سایر افراد مرتبط در فرایند مشارکت است (Zurba, 2014). در واقع اگر اعتماد از چرخه مشارکتی حذف شود، ذینفعان تمایلی به دخالت در تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مدیریت منابع طبیعی ندارند (Holmes-Watts, 2008 و Brown, 1995). اعتماد یعنی ایمان و اطمینان درباره وفاداری، توانایی و سلامت نفس دیگران (Brown, 1993). اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد (Zainabadi, M. 2008). اعتماد اجتماعی عاملی مهم در رشد و پیشرفت جامعه است و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است (Kohi Nasrabadi, 2016). در جامعه امروزی افراد با یکدیگر مانند گذشته پیوندهای عمیق ندارند. بنابراین جوامع تمایز یافته کنونی موجب این نیاز شده‌است که به پدیده‌هایی بیش از افراد انسانی یعنی به قشرها و سازمان‌های مختلف اعتماد شود تا روابط بین کنشگران قابل پیش‌بینی و قانده‌مند شود (Chalapy, 1994). اعتماد اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است. وجود اعتماد در میان افراد یک تشکیلات اقتصادی به میزان بسیار زیادی می‌تواند هزینه‌ها را کاهش و کارایی و موفقیت را افزایش دهد. تأمین نکردن خواسته‌های مردم یکی از عوامل بی‌اعتمادی است (Quinn, 2007). برخی رضایت سیاسی و اقتصادی را عامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی می‌دانند (Rafipoor, 2008). Gleave و همکاران (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای با عنوان اعتماد در ازبکستان به بررسی برخی عوامل مؤثر بر اعتماد پرداخته‌اند. در بررسی آن‌ها متغیرهای سن و سطح تحصیلات دارای همبستگی معکوس و بعد خانوار و پایگاه اقتصادی -



اجتماعی خانوار دارای همبستگی مثبت و مستقیم با اعتماد بوده‌اند. همچنین Bennett و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر بهبود وضعیت محیط‌زیست در آمریکا بیان کردند که اعتماد بین ذینفعان و سایر گروه‌های پژوهشگر، باعث تقویت بنیه مشارکتی شده و درک صحیحی از وضعیت محیط حاصل می‌شود. Koutsou و همکاران (۲۰۱۴)، نیز در بررسی پژوهشی با عنوان کشاورزان جوان سرمایه اجتماعی در یونان: سطح اعتماد و اقدامات جمعی، به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی کلید موفقیت در توسعه روستایی است. همچنین، نتایج آن‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی؛ مشارکت (همکاری) بین کشاورزان جوان را برای رسیدن به اهداف دوجانبه در جامعه هموار می‌کند، اما این سرمایه در بین کشاورزان جوان یونانی پایین است. دلیل پایین بودن این سرمایه اجتماعی بیش‌تر به کاهش اعتماد کشاورزان به نهادها (اعتماد نهادی) و کاهش اعتماد به افراد (اعتماد بین فردی) نسبت داده شده است. Bennett (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان استفاده از ادراک به عنوان مدرکی برای بهبود حفاظت و مدیریت محیط‌زیست در آمریکا بیان کرد که آگاهی و اعتماد بین ذینفعان و مدیران مرتع (کارشناسان و پژوهشگران) از عواملی هستند که چارچوب تصمیم‌گیری‌های مشارکتی را مستحکم ساخته و راهکارهایی را درمورد مسائل مربوط به منابع طبیعی ارائه می‌دهد. Virapongse و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان سیستم اجتماعی-محیطی برای مدیریت محیط‌زیست در آمریکا بیان کردند که برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب در امر اصلاح و احیای محیط‌زیست، بکارگیری عوامل اجتماعی مانند اعتماد امری ضروری است. زیرا بدون داشتن اعتماد کافی بین گروه‌های محلی و دولت، پایه‌های مشارکت تضعیف می‌شود. Brunson و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای با عنوان بکارگیری علم اجتماعی - اقتصادی در مراتع انگلستان بیان کردند که شناخت کافی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی استفاده‌کنندگان از مرتع باعث ارائه راهکارهای مؤثر در زمینه اصلاح مراتع می‌شود. همچنین، تقویت بنیه اقتصادی ذینفعان مرتع باعث ایجاد نوعی اعتماد در بین آن‌ها با کارشناسان مرتع شده و مدیریت مرتع به شیوه‌ای بهتر انجام می‌گیرد. Brunson و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان درک ابعاد اجتماعی برای بهبود حفاظت از محیط‌زیست در آمریکا بیان کردند که درک بهتر از ابعاد اجتماعی (مانند آگاهی و اعتماد) سیاست‌های حفاظتی از منابع طبیعی را تسهیل می‌کند. Wilmer و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان عوامل اثرگذار بر همکاری‌های مدیریتی و علمی بین ذینفعان در مراتع آمریکا بیان کردند که مشارکت مرتعداران مستلزم ایجاد اعتماد بین گروه‌های ذینفع و پژوهشگران است. همچنین، کمک به حل مشکلات اقتصادی مرتعداران دیدگاه آن‌ها را نسبت به کارشناسان تغییر داده و زمینه‌های همکاری بین ذینفعان و پژوهشگران را در اصلاح مراتع فراهم می‌کند.

مردم، مسئولین و تعامل در حفظ منابع سه رکن اساسی اعتماد می‌باشد و باید در مدیریت، طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های منابع طبیعی و مرتعداری علاوه بر مسائل و جنبه‌های فنی، به ابعاد اجتماعی و اقتصادی توجه کافی شود و مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی که سهم قابل توجهی را در فرآیند ارزیابی دارند، شناسایی شوند. با توجه به مطالب فوق، این تحقیق با هدف دستیابی به اهداف زیر انجام شده‌است.



- ❖ شناخت عوامل تأثیرگذار اقتصادی و اجتماعی بر اعتماد مرتعداران
 - ❖ ارائه راهکارهای مناسب در تقویت مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی جهت بهبود اعتماد مرتعداران
- همچنین سؤالات این تحقیق به صورت زیر مطرح گردیده‌است.

- ❖ آیا عوامل اجتماعی (سابقه بهره‌برداری و میزان تحصیلات) بر اعتماد مرتعداران تأثیر دارد؟
- ❖ آیا عوامل اقتصادی (درآمد سالانه و تعداد دام) بر اعتماد مرتعداران تأثیر دارد؟

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه: این تحقیق در مراتع بیلاقی بلبان‌آباد در شرق شهرستان دهگلان در استان کردستان انجام شده است. منطقه مورد نظر در محدوده بین عرض شمالی ۳۵° ۱' تا ۳۵° ۳۹' و طول شرقی ۴۷° ۷' تا ۴۷° ۳۶' می‌باشد. متوسط بارندگی سالانه منطقه ۳۷۰ میلی‌متر، متوسط ارتفاع منطقه ۱۹۰۶ متر از سطح دریا و مساحت مرتع ۳۲۰۵ هکتار است. منطقه مورد مطالعه شامل یک سامان عرفی است که به شیوه مشاع از مرتع بهره‌برداری می‌کنند و ساکنان این منطقه به کشاورزی و دامداری می‌پردازند.

روش تحقیق: این تحقیق به روش کیفی انجام شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و اندازه‌گیری انجام گرفت. ابزار سنجش و اندازه‌گیری پرسشنامه می‌باشد. با توجه به موضوع تحقیق، جمع‌آوری متغیرهای مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه انجام گرفت. جهت تعیین حجم نمونه تحقیق حاضر از فرمول کوکران (۱۹۹۷) و جدول مورگان استفاده شده است، این فرمول به صورت رابطه زیر می‌باشد.

$$n = \frac{N(t^*)(p \times q)}{Nd^2 + (t^*)(p \times q)}$$

که در آن، n حجم نمونه، p و q واریانس و انحراف معیار جامعه، N حجم جامعه، d^2 دقت احتمالی مطلوب و t فاصله اعتماد است.

تعداد ۱۱۷ مرتعدار در منطقه حضور داشتند که با استفاده از فرمول کوکران و جدول مورگان ۹۱ مرتعدار به عنوان نمونه انتخاب شده و پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع و تکمیل گردید. برای اندازه‌گیری اعتماد از ۴ گویه استفاده شده است که در داخل پرسشنامه گنجانده شده بودند و شامل ۱- اعتماد به خانواده و دوستان (اعتماد بین شخصی) ۲- اعتماد به افراد بومی و محله‌ای (اعتماد تعمیم‌یافته) ۳- اعتماد و آگاهی از طرح‌های ارائه شده از طرف دولت (اعتماد نهادی) ۴- رعایت حقوق عرفی (اعتماد بنیادین یا



امنیت اجتماعی) می‌باشد. فرم‌ها و پرسش‌نامه‌های تکمیل شده پس از بازبینی و کدگذاری در نرم‌افزار SPSS آماده تحلیل شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای اعتماد مرتعداران ۰/۸۲ به دست آمد. با پردازش و استخراج داده‌ها و به کارگیری روش‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرهایی که در ادامه آمده است، تجزیه و تحلیل انجام شد. برای تحلیل اعتماد مرتعداران با متغیرهای تعداد دام، سابقه بهره‌برداری مرتعداران و میزان درآمد از آزمون همبستگی پیرسون، همچنین برای تحلیل اعتماد مرتعداران با میزان تحصیلات مرتعداران از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

نتایج

میزان تحصیلات: نتایج حاصل از نظرات مرتعداران در مورد تحصیلاتشان، نشان می‌دهد ۷۶/۶ درصد افراد نمونه‌گیری شده با بیشترین درصد فراوانی در سطح تحصیلات بی‌سواد و ابتدایی بوده‌اند (جدول ۱). سطح تحصیلات به عنوان رکن توسعه می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در پیشبرد برنامه‌های اصلاحی و احیایی و در مجموع تمام فعالیت‌های توسعه‌ای داشته باشد. با توجه به پایین بودن تحصیلات در جامعه مورد مطالعه، باید برای ارتقای آن تلاش نمود.

جدول ۱- توزیع فراوانی مرتعداران بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
بی‌سواد	۲۸	۳۱/۱
ابتدایی	۴۲	۴۵/۵
راهنمایی	۹	۱۰
دبیرستان	۶	۶/۱
دیپلم	۴	۵
بالا تر از دیپلم	۲	۲/۲
جمع	۹۱	۱۰۰

انحراف معیار: ۲/۲۳ نما: ابتدایی

سابقه بهره‌برداری: با توجه به نتایج متوسط سابقه بهره‌برداری افراد مورد مطالعه در این تحقیق ۴۶/۹۶ سال است. بیشترین درصد فراوانی سابقه بهره‌برداری مرتعداران (۳۶/۶ درصد) در محدوده سابقه بهره‌برداری ۴۱-۵۰ سال می‌باشد (جدول ۲). بنابراین به طور کلی، جامعه مورد مطالعه در شرایط سنی قرار دارند که کسب اندوخته‌های ارزشمند تجربی آن‌ها مفید است و بنابراین سرمایه‌گذاری لازم بر این قشر قابل توجیه است.



هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

جدول ۲- توزیع فراوانی مرتعداران بر حسب سابقه بهره‌برداری

سابقه بهره‌برداری (سال)	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰ و کمتر	۷	۷/۷
۳۱-۴۰	۲۰	۲۲/۲
۴۱-۵۰	۳۳	۳۶/۶
۵۱-۶۰	۲۱	۲۳/۳
بالای ۶۰	۹	۱۰
جمع	۹۱	۱۰۰

انحراف معیار: ۱۲/۰۳ میانگین: ۴۶/۹۶

تعداد دام: در خصوص تعداد دام مرتعداران ۶/۶ درصد مرتعداران که کمترین تعداد فراوانی است، دارای تعداد دام ۴۰ و کمتر هستند. همچنین بیشترین درصد فراوانی (۲۵/۵ درصد) دارای تعداد دام ۴۱-۷۰ هستند. در حالت کلی میانگین تعداد دام مرتعداران می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی مرتعداران بر حسب تعداد دام

تعداد دام	فراوانی	درصد فراوانی
۴۰ و کمتر	۶	۶/۶
۴۱-۷۰	۲۳	۲۵/۵
۷۱-۱۰۰	۱۳	۱۴/۴
۱۰۱-۱۳۰	۱۵	۱۶/۶
۱۳۱-۱۶۰	۱۸	۲۰
۱۶۱-۱۹۰	۹	۱۰
۱۹۱-۲۲۰	۵	۵/۵
بالای ۲۲۰	۱	۱/۱

انحراف معیار: ۵۰/۴۶ میانگین: ۱۰۵/۳۳

میزان درآمد سالانه از دامداری: نتایج حاصل از نظرات مرتعداران نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از مرتعداران درآمد خود را کمتر از ۲۰ میلیون تومان عنوان کرده‌اند که از این مقدار ۶۹/۸ درصد مرتعداران میزان درآمد خود را ۲۰-۱۵ میلیون تومان و ۱۵/۶



درصد مرتعداران درآمد خود را کمتر از ۱۵ میلیون تومان اعلام کرده‌اند. در حالت کلی میانگین درآمد سالانه میلیون تومان می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴- توزیع فراوانی مرتعداران بر حسب میزان درآمد سالانه از دامداری

میزان درآمد سالانه از دامداری (میلیون تومان)	فراوانی	درصد فراوانی
۱۵ و کمتر	۱۴	۱۵/۶
۱۵-۲۰	۶۴	۶۹/۸
بالاتر از ۲۰	۱۳	۱۴/۶
جمع	۹۱	۱۰۰

انحراف معیار: ۵/۷۰ میانگین: ۱۷

تعیین میزان اعتماد مرتعداران: نتایج حاصل برای اعتماد نشان می‌دهد که ۱۰/۹ درصد از مرتعداران منطقه، اعتماد را در طیف کم قرار داده‌اند و ۷/۶ درصد در طیف خیلی زیاد قرار دارد. همچنین بیشترین درصد مربوط به طیف کم می‌باشد که ۴۰/۶ درصد را تشکیل می‌دهد (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع فراوانی مرتعداران منطقه مورد مطالعه بر حسب میزان اعتماد

میزان اعتماد	مقیاس طیف لیکرت	فراوانی	درصد فراوانی
۷-۴/۲	خیلی کم	۱۰	۱۰/۹
۷/۱۰-۳/۴	کم	۳۷	۴۰/۶
۱۰/۱۳-۵/۶	متوسط	۲۰	۲۱/۹
۱۳/۱۶-۷/۸	زیاد	۱۷	۱۸/۶
۱۶/۲۰-۹	خیلی زیاد	۷	۷/۶
جمع		۹۱	۱۰۰

نتایج میانگین رتبه‌ای هر یک از شاخص‌ها (گویه‌ها) در اعتماد نشان می‌دهد که بیشترین رتبه مربوط به اعتماد به خانواده و دوستان (اعتماد بین شخصی) و سپس اعتماد به افراد بومی و محله‌ای (اعتماد تعمیم‌یافته) می‌باشد. کمترین رتبه میانگین در بین شاخص‌های اعتماد مربوط به اعتماد و آگاهی از طرح‌های ارائه شده از طرف دولت (اعتماد نهادی) بوده‌است. همچنین شاخص رعایت حقوق عرفی (اعتماد بنیادین یا امنیت اجتماعی) رتبه سوم را در بین شاخص‌های اعتماد مرتعداران در منطقه مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌است (جدول ۶).



جدول ۶- فراوانی نسبی، میانگین شاخص‌ها و اولویت هر گویه در اعتماد مرتعداران

شاخص‌های اعتماد مرتعداران						فراوانی نسبی
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	
۶/۵	۱۰/۹	۲۴/۱	۳۰/۷	۲۶/۳	۳/۸	اعتماد به خانواده و دوستان
۷/۶	۱۵/۳	۲۷/۴	۲۹/۶	۱۹/۷	۳/۵	اعتماد به افراد بومی و محله‌ای
۱۰/۹	۳۱/۸	۳۲/۹	۲۵/۲	۷/۶	۲/۹	رعایت حقوق عرفی
۱۲/۰	۵۱/۶	۲۶/۳	۹/۸	۰	۲/۲	اعتماد و آگاهی از طرح‌های ارائه شده از طرف دولت

رابطه بین سطح تحصیلات با اعتماد مرتعداران: نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که بین سطح تحصیلات با اعتماد مرتعداران رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر یکنواختی جامعه آماری ($76/6\%$ درصد بی‌سواد و ابتدایی) باعث شده تا سواد تأثیر معناداری بر اعتماد مرتعداران نداشته باشد.

رابطه بین میزان سابقه بهره‌برداری با اعتماد مرتعداران: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سابقه بهره‌برداری با اعتماد مرتعداران رابطه معنی‌داری وجود دارد ($r=614$ و $P \geq 0/000$). به عبارت دیگر هر چه سابقه بهره‌برداری بیشتر باشد اعتماد مرتعداران به دلیل علاقه به بستر و کار و حس مالکیت از کیفیت بیشتری برخوردار است.

رابطه بین میزان درآمد سالانه از دامداری با اعتماد مرتعداران: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین میزان درآمد از دامداری با اعتماد مرتعداران رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ($r=-394$ و $P \geq 0/002$). به عبارت دیگر تلاش برای دستیابی به درآمد بیشتر می‌تواند باعث بدبینی و بی‌اعتمادی در بین مرتعداران منطقه شود.

رابطه بین تعداد دام با اعتماد مرتعداران: نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین تعداد دام مرتعداران با اعتماد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ($r=-309$ و $P \geq 0/003$). به عبارت دیگر هر چه تعداد دام مرتعداران خارج از حد معمول افزایش یابد، به دلیل افزایش رقابت، اعتماد کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بدون تعامل پایدار مرتعداران نیل به اهداف توسعه (حفاظت، اصلاح و احیای مراتع) امکان‌پذیر نیست و جهت دستیابی به آن و ایجاد فضای همکاری در بین مرتعداران، تامین سازوکارهای اساسی از جمله اعتمادسازی در فضای تعاملات میان



مرتعداران و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین آن‌ها، امری ضروری است و مدیریت منابع با آسیب‌پذیری کمتری روبرو خواهد شد. این مطالعه با هدف ارزیابی عوامل مؤثر بر اعتماد مرتعداران با توجه به عوامل اقتصادی- اجتماعی در مدیریت پایدار انجام گرفته‌است. براساس نتایج تحقیق، ۷۳/۴ درصد از مرتعداران، اعتماد متوسط به پایین دارند و تنها ۲۶/۶ درصد دارای اعتماد زیاد و خیلی زیاد هستند. بنابراین، درصد کمی از افراد منطقه مورد مطالعه اعتماد زیاد و خیلی زیاد به دولت و مسئولین طرح‌های مرتعداری دارند و این امر وضعیت خوشایندی را نشان نمی‌دهد، زیرا همان‌طور که کوهی نصرآبادی (۲۰۱۶)، بنت (۲۰۱۶) و ویراپونگس و همکاران (۲۰۱۶)، در بررسی‌های خود اشاره کرده‌اند اعتماد اجتماعی عاملی مهم در رشد و پیشرفت جامعه است و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است همچنین وجود اعتماد برای شکل‌گیری تعامل سازنده و مؤثر میان مرتعداران و نهاد اداره منابع طبیعی ضروری است و به کارکرد بهینه این نهاد و همچنین، رفع نیازهای مرتعداران در زمینه اجرای برنامه‌های مدیریتی منابع طبیعی منجر می‌شود. اعتماد کم نیز می‌تواند اثر معکوس داشته‌باشد. همچنین در بخش بعدی نتایج و فراوانی نسبی، میانگین شاخص‌ها و اولویت هر گویه در اعتماد مرتعداران، مشاهده می‌شود که شاخص اعتماد و آگاهی از طرح‌های ارائه شده از طرف دولت و رعایت حقوق عرفی به ترتیب با میانگین ۲/۹ و ۲/۲ از دید جامعه نمونه، کمتر از حد متوسط برآورد شدند. به نظر می‌رسد راهکارهای رفع نگرانی و افزایش سرمایه‌گذاری در بعد اعتماد بنیادین برای تعامل بیشتر مرتعداران تجمع گله‌های کوچک در قالب تعاونی‌های جدید یا دامداری‌های واحد همراه با خرید حقوق عرفی سایر مرتعداران از طرف دولت یکی از عوامل مهمی است که با حفظ اصل سرمایه و تقویت حس مالکیت موجب مدیریت بهتر مراتع و حفاظت بیشتر از آن می‌شود. همچنین اعتماد در سطح نهادی یعنی اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و رسمی متأسفانه از دیدگاه مرتعداران منطقه مورد مطالعه، از میزان کمتری برخوردار بوده‌است. کم بودن میزان اعتماد نهادی مرتعداران را می‌توان به شخصیت قدرت طلب افراد ارتباط داد، به نظر می‌رسد مرتعدارانی که در فعالیت‌های مدیریتی مرتع درگیر می‌شوند خواستار سهم شدن بیشتر در قدرت تصمیم‌گیری هستند و بدین دلیل دیدگاه منتقدانه‌ای نسبت به عملکرد نهادها دارند و نیاز است که مسئولان، بخشی از تصمیمات دولتی را بر عهده خود مرتعداران بگذارند تا توانایی‌های خودجوش خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست ندهند و در ایجاد جو اعتماد عموم نسبت به عملکردشان اقدامات لازم را انجام دهند تا بتوانند مردم را همدل و همراه خود سازند و زودتر و راحت‌تر به اهداف طرح‌ها برسند. پیشنهاد می‌شود جهت ارتقاء کیفیت نهادها و سطح اعتماد نهادی در مرتعداران، در رعایت قوانین، منع فساد و تبعیض و تعهد کارمندان یک نهاد تلاش شود چرا که این موارد مهم‌ترین عوامل اعتماد به نهادها هستند. به‌علاوه نظارت دقیق و مستمر نهادها و دستگاه‌های دولتی و افزایش ارتباط و تماس بین مرتعداران و نهادها و رسیدگی و توجه به وعده‌های داده شده به مرتعداران از طرف نهادها و اطلاع رسانی شفاف و به موقع مسئولان به نهادهای دولتی در خصوص کمبودها و کاستی‌های مرتعداران در اجرای طرح‌ها می‌تواند به بهبود اعتماد نهادی و در نتیجه افزایش شرایط اقتصادی- اجتماعی کمک کند.



با توجه به نتایج آزمون کروسکال والیس رابطه معنی‌داری بین سطح تحصیلات و اعتماد مرتعداران وجود ندارد این نتیجه برخلاف نظر گلیو و همکاران (۲۰۱۱) است که بیان داشتند سطح تحصیلات دارای همبستگی معکوس با اعتماد است. طبق نتایج حاصل از تحقیق ۷۶/۶ درصد از افراد نمونه‌گیری شده با بیشترین درصد فراوانی در سطح ابتدایی و بی‌سواد بوده‌اند که این موضوع نشان می‌دهد جامعه از نظر میزان تحصیلات تقریباً همگن و یکنواخت است، و می‌توان دلیل آن را به وضعیت اجتماعی جامعه آماری ارجاع داد. به نظر می‌رسد افراد با سطح تحصیلات بالا تمایلی به شغل مرتعداری ندارند. در چنین جامعه‌ای می‌توان از دانش بومی افراد کم سواد، جهت ایجاد تحولات مثبت در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بهره‌جست. تلاش برای افزایش سطوح تحصیلات و آگاهی افراد قطعاً در بهبود وضعیت موجود اثر مثبتی خواهد داشت. این در حالی است که بیشتر مرتعداران منطقه از سطوح تحصیلات پایینی برخوردارند، و این‌طور به نظر می‌رسد که تجربه افراد در مرتعداری عامل مؤثرتری نسبت به سطح تحصیلات بوده‌است.

همچنین نتایج نشان داد که اکثر مرتعداران دارای سابقه بهره‌برداری طولانی هستند و بیشتر به شیوه‌های سنتی و بومی از مراتع استفاده می‌کنند. به طور میانگین سابقه بهره‌برداری ۴۶ سال است که این بیانگر تمایل کمتر جوانان منطقه به شغل شبانی است. از دلایل عمده آن می‌توان به مهاجرت به خاطر شرایط سخت زندگی، کاهش منزلت اجتماعی، محدودیت امکانات آموزشی - رفاهی و درآمد پایین اشاره کرد. طبق نتایج هر چه سابقه بهره‌برداری بیشتر باشد اعتماد مرتعداران نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با پژوهش کوتسو و همکاران (۲۰۱۴)، که بیان کردند اعتماد نهادی و اعتماد بین‌فردی در بین کشاورزان جوان یونانی پایین است مطابقت دارد. به نظر می‌رسد هر چه سابقه بهره‌برداری بیشتر باشد حفظ اعتماد در مرتعداران به دلیل علاقه به بستر کسب و کار و حس مالکیت از کیفیت بالاتری برخوردار است. سابقه بهره‌برداری یکی از عوامل عمده در تثبیت مالکیت و اعتماد در مرتعداران است. تشویق مرتعداران جوان با حمایت دولت به مشاغل مرتبط با مرتع، اعتماد مرتعداران را در منطقه تقویت می‌کند.

در بخش دیگر؛ نتایج نشان داد که بین تعداد دام و میزان درآمد سالانه از دامداری مرتعداران منطقه با اعتماد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ رفیع‌پور (۲۰۰۸)، نیز در تحقیق خود رضایت اقتصادی را عامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد می‌داند همچنین نتایج این تحقیق با مطالعه گلیو و همکاران (۲۰۱۱)، برونسون و همکاران (۲۰۱۶) و ویلمار و همکاران (۲۰۱۷)، که به تأثیرگذاری پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بر اعتماد معتقد بودند، همسویی دارد. به نظر می‌رسد مرتعدار با دام زیاد، نوع نگاه سودگیری آن‌ها به مرتع و غیر اقتصادی بودن دامداری، عامل اصلی کاهش اعتماد در بین مرتعداران است. این مسأله زمانی مشهود می‌شود که مرتعداران با تعداد زیاد دام برای دستیابی به درآمد بیشتر با هم رقابت کنند. به نظر می‌رسد که اگر تعداد دام در حد مجاز باشد انسجام اجتماعی منطقه پایدارتر و بهتر خواهد بود و برعکس هر چه تعداد دام افزایش یابد شدت بهره‌برداری هم افزایش یافته، میزان تخریب افزایش می‌یابد و زوال مراتع باعث شکنندگی انسجام اجتماعی مرتعداران و در نهایت به طور غیر مستقیم باعث



کاهش اعتماد مرتعداران می‌شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود مدیریت مراتع به سمت افزاری یا فردی پیش رود و حس تعلق به مرتع در بین مرتعداران افزایش یابد در نتیجه با تثبیت پایداری مراتع و کاهش رقابت در بین مرتعداران نگرش مثبت در آن‌ها ایجاد شده و میزان اعتماد آن‌ها ارتقاء خواهد یافت.

با توجه به تأثیرگذاری عوامل ذکر شده پیشنهاد می‌شود که با فرهنگسازی و توجه به مسائل اقتصادی- اجتماعی و برقراری ارتباط مؤثر عوامل اجرایی با مردم، توجه ویژه به همکاری‌های منابع طبیعی، شوراها و سازمانهای غیردولتی در دستور کار دولت و مؤسسات دست‌اندرکار منابع طبیعی قرار دارد. در این راستا کمک گرفتن از گروه‌های تخصصی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و یا فراخوان انجام تحقیقات در زمینه عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر در فرآیندهای مدیریت می‌تواند یکی از راه‌حل‌های مؤثر باشد. بنابراین جهت بهبود اوضاع اقتصادی- اجتماعی در مرتعداران باید زمینه ایجاد اعتماد در آن‌ها را فراهم نمود چرا که طبق یافته کون و همکاران (۲۰۱۳)، تأمین نکردن خواسته‌های مردم یکی از عوامل بی‌اعتمادی است و با اعتقاد به تأثیرگذاری این اصل، زمینه را برای پایداری مراتع فراهم ساخت.

References

۱. Alavi, S.Z. and Saeedi Goraghani, H.R., 2011. Economic analysis and evaluation of the rangeland management project Haft Cheshme Youth. *Natural Ecosystems of Iran*, 2 (1): 31-39.
۲. Amirnejad, H. and Rafiee, H., 2010. A study on the the effect of socio-economic factors on the user's participation in range management projects. *Rangeland*, 3 (3): 710-722.
۳. Ansari, N. and Seyedakhlaghishal, S.J., 2009. Comparison of the opinion of the rangeland user and expert on factors influencing natural resources degradation in Iran. *Rangeland*, 3 (3): 519-532.
۴. Bennett, N. J. 2016. Using perceptions as evidence to improve conservation and environmental management. *Conservation Biology*, 30(3), 582-592.
۵. Bennett, N. J., Roth, R., Klain, S. C., Chan, K., Christie, P., Clark, D. A. and Greenberg, A. 2017. Conservation social science: Understanding and integrating human dimensions to improve conservation. *Biological Conservation*, 205, 93-108.
۶. Bennett, N.J., Dearden, P., Murray, G., Kadfak, A., 2014. The capacity to adapt?: coastal communities in a changing climate, environment, and economy on the northern Andaman Coast of Thailand. *Ecological Social*. 19(5), 122-131.
۷. Brown, A., 1995. Popular participation and empowerment in natural resource management. CANART communication paper presented at the Second Commonwealth NGO Forum Wellington, June of 1995, Aotearo/New Zealand, pp. 18-23.
۸. Brown, M.W. 1993. Alternative ways of evaluating model fit. In K.A., Bollen & J.S., Long (Eds.), *Testing Structural Equation Models*, Thousand Oaks, CA: SAGE.
۹. Brunson, M. W., Huntsinger, L., Kreuter, U. P., and Ritten, J. P. 2016. Usable socio-economic science for rangelands. *Rangelands*, 38(2), 85-89.



۱۰. Chalapy, M., 1994. Sociology of order, analysis and theoretical explanation of social order. Tehran: Publishing Ney.
۱۱. Cornwall, A., and Aghajanian, A. 2017. How to find out what's really going on: understanding impact through participatory process evaluation. World Development, 99, 173-185.
۱۲. Dong, S., Lassoie, J., Shrestha, K., Yan, Z., Sharma, E., Pariya, D., 2009. Institutional development for sustainable rangeland resource and ecosystem management in mountainous areas of northern Nepal. Journal of Environmental Management 90, 994-1003.
۱۳. Faircheallaigh, C.O. 2010. Public participation and environment impact assessment: goals, implications, and lessons for public policy making. International Journal by Environmental Impact Assessment Review. 30: 19-27.
۱۴. Franks, J., Mc Gloin, A., 2007. Environmental co-operatives as instruments for delivering across-farm environmental and rural policy objectives: Lessons for the UK. Journal of Rural Studies 23, 472-489.
۱۵. Gleave, E., Blin, R. and Beth, K. 2011. trust in uzbekistan international political science review, 1-۲۱.
۱۶. Holmes-Watts, T., Watts, S., 2008. Legal frameworks for and the practice of participatory natural resources management in South Africa. Forest Policy and Economy 10, 435-443.
۱۷. Kohi Nasrabadi, M. 2016. Social trust among telegram users. Education Center of the Hamshahri Institute, taken from <http://www.hamshahritraining.ir/news-3898.aspx> Release date November 19, ۲۰۱۶.
۱۸. Koutsou, S., Partalidou, M., and Ragkos, A. 2014. Young farmers' social capital in Greece: Trust levels and collective actions. Journal of Rural Studies, 34, 204-211.
۱۹. Lubell, M., Cutts, B., Roche, L., Hamilton, M., Derner, J., Kachergis, E., Tate, K., 2013. Conservation Program Participation and Adaptive Rangeland Decision-Making. Rangeland Ecology & Management ۶۶ (۶), ۶۰۹-۶۲۰.
۲۰. Moore, G., Audrey, S., Barker, M., Bond, L., Bonell, C., Hardeman, W., et al. 2015. Process evaluation of complex interventions: Medical Research Council guidance. British Medical Journal, 350, h1258.
۲۱. Papzan, A. H. and Afsharzadeh, N., 2010. Native Mechanisms in the strict management of the Kalhor tribe nomads Iranian Journal of Range and Desert Research, 17 (3): 476-488.
۲۲. Pellizzoni, L., Ungaro, D., 2000. Technological risk, participation and deliberation. Some results from three Italian case studies. Journal of Hazardous Materials 78, 261-280.
۲۳. Quinn, Ch., Hubby, M., Kiwasilla, H.C., and Lovett, J. 2007. Design principle and common pool resource management: An institutional approach to evaluating community management in semi-arid ۱۳-Tanzania Journal Environmental Management 48, 100-113.
۲۴. Rafipoor, F. 2008. Reserch techniques in social sciences, SherkatsahamiEnteshar Publication, 224P.
۲۵. Virapongse, A., Brooks, S., Metcalf, E. C., Zedalis, M., Gosz, J., Kliskey, A., and Alessa, L. 2016. A social-ecological systems approach for environmental management. Journal of environmental management, 178, 83-91.
۲۶. White, Howard 2011. Achieving high-quality impact evaluation design through mixed methods: the case of infrastructure. Journal of Development Effectiveness, 3(1), 131-144.



۲۷. Wilmer, H., Derner, J. D., Fernández-Giménez, M. E., Briske, D. D., Augustine, D. J., and Porensky, L. M. 2017. Collaborative Adaptive Rangeland Management Fosters Management Science Partnerships. *Rangeland Ecology and Management*.
۲۸. Zainabadi, M. 2008. Theories of social trust in society. Social Trust Research Institute, Strategic Research Institute, 16: 32-9.
۲۹. Zurba, M., Trimble, M., 2014. Youth as the inheritors of collaboration: crises and factors that influence participation of the next generation in natural resource management. *Environmental Science & Policy* 42, 78–87.

Evaluating the Impact of Socioeconomic and Economic Issues on the Trust of Rangers (Case Study: Bolban Abad Range in Kurdistan Province)

Farzadahmadi^{*1}, Qudratulah heydari², Ronakahmadi³

۱- Student of Rangeland, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University

Farzadahmadigh70@yahoo.com Phone: 09182221733

2- Associate Professor of Rangeland, Agricultural and Natural Resources University of Sari

3- Ph.D. student of Ph.D. in Science and Engineering, Sari University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Abstract

Socioeconomic transformations of the stakeholders and the importance of trust in the management of natural resources in recent years, the issue of trusting individuals and organizations it's very important. Therefore, the main objective of this research is to evaluate the effects of issues social and economic affects the trust of rangers Bolbanabad rangeland in Kurdistan province. The statistical population of the study area was 117 people using the Cochran formula, 91 was selected. The research tool was a questionnaire and the statistical method was used by interviewing technique. Four groups have been used to measure the confidence of rangers which came within the questionnaire. Cronbach's alpha was 0.82 for the confidence of rangers using SPSS software, the level of trust was greatly increased through Pearson Test with factors like utilization history, annual income from livestock and number of livestock have been analyzed. The results show the trust of rangers with a history of exploitation, a direct and meaningful relationship and with the number of livestock and the annual income of livestock there is a meaningful and reverse relationship. The results also indicate a low level of basic trust and institutional trust in the studied community. Therefore, to improve the socioeconomic status of the farmer they should provide the ground for building trust it is one of the factors of distrust that the failure of providing people with the wishes of the people and believed in the effect of this principle, provided the ground for the sustainability of the pastures.

Keywords: Economic and Social Issues, Trust of Breadwinners, Institutional Trust, Bolban abad Range, Kurdistan Province.